

با کورسوی فانوس عمر

نگاهی به هندخاله

منابع از تحولات یک روستا در مقطعی از زمان

(جلد اول)

مؤلف: حسین رضایر هندخاله

* کلیه حقوق برای مولف محفوظ است.

پیشگفتار

در طول سالهای "عمر" که حیات و زندگی نام دارد در گذار زمانی که، آن را به دوره های (نوزادی - کودکی - نوجوانی و جوانی ، میان سالی ، کهن سالی) تقسیم می کنند ، هم اکنون ، نشانه های دوره ی کهن سالی و پایان (مرحله ای دیگر از زندگی) مرا بر آن داشته است تا در این فرصت اندک، گذشته هارا به مرور بنشینم !! قضاوت بریادها و خاطراتی که از مردم روستای خود داشته و دارم را مکتوب کنم دریافت مسائل مطروحه در نوشتار را برعهده ی خوانندگانی می گذارم که از نظر طول زندگی شایسته بانی بین ما وجود دارد ولی از عرض زندگی و چگونگی برخورداری از سالیان عمر را که هر یک چون کتابی نوشته و نانوشته از زندگی شخصی خود را مرور می کنیم چه عرض کنم ؟

اگر زندگی را در هر چه به شکل یک سه ضلعی ببینیم بر هر رأس آن انسان و طبیعت و زمان قابل عنایت است .

من انسان بر بخش سرزمینی روستائی بنام هندخاله در زمانی بدنی آمدم با دیگرانی زندگی کردم که به آن طول زمان (عمر) می گویند

بنابراین انتظار بر آن دارم که هریک از خوانندگان این نوشتار بتوانند با توجه به تداوم هارمونی مشترک هم محلی و « با هم بودن » در روستای هندخاله بعضی از گفتنی های لازم را از طریق نوشتن نظریات خود ، برای آیندگان اطلاع رسانی کنند

سیاه مشقی از زندگی را که در جستجوی بودن آدم های یک روستا به تصویر کشیده می شود فقط برای ماندگاری نام و نوع وابستگی هائی را به خامه ی خاطره کشیده ام ، مردمی را در خانه هائی جوئیدن ، که روزگاری !! بودند و نسلهائی را در خود پرورش دادند ولی هم اکنون اثری از آنها نیست:

« نه از تاک خبری ماند و نه از تاک نشان »

مشعل کم سوی فانوس «عمر» نگارنده را از همان آغاز تولد به اندازه ای روغن داده اند که فقط بتواند از «بودن» نشانی داشته باشد و تنها کوره راهی از راههای زندگی را در تابش فروغ عمر، فقط نشانی می دهد باید فراموش نکرد.

اگر به فراخور توان، برخی از آن خانه هائی که نشانی داده می شود، فرزندان زیسته اند و خواهند زیست که هریک ستارگان علم زندگی خود می شوند و یا ازدانش و معرفتی که بهره گرفت و می گیرند دیگران را هم امید است که منتفع دارند، مهم فقط نشانه دادن نیست. کمال زندگی در شدن و تأثیرگذار بودن است.

نگارنده باهمان فانوس، روغن عمر از کودکی خود، از تلاش زنان و مردانی می گوید که با حسرت خواندن و نوشتن به خاک و خواب ابدی رفته اند از نام آنها جز بر سنگ مزارشان اگر هم داشته باشند! کسی را چیزی به یاد نمانده است.

نوشتن از خورشید وجود مردان و زنانی که تلاش و کوشش را برای معنا کردن زندگی و جبهه ی همت خود کرده اند کاری نه چندان خرد است که از مورچه ای چون نگارنده که علاوه بر سالهای آغازین زندگی، چند سالی هم در دبیرستان «معلمی» تلاشی را برای ارتقاء علمی فرزندان آنها داشته ام شاید برنیاید.

فرزندان و روستا زادگانی که شاید در حد شبخی، «بودنم» را در فکر و خیال خویش دارند، امید است که مرا بیگانه ی دیار خویش ندانند زیرا نگارنده این سال، خود بخشی از آن بودن ها، در زندگی و در کنار مردم بوده است شاید!! در فرادهای زندگی کسی هم نخواهد و یا نتواند از «آنان» یاد کند.

زندگی، زندگی است باهمه ی زیبایی و نازیبائی هائی که داشته و دارد و خواهد داشت باید دید که چگونگی آن چه تأثیری می تواند داشته باشد!! می توان زیبایی هائی

دلنشین را درآینه ی زندگی دید، مهم چرائی دیدن و ارزشی است که هرکس خود را با آن عیار می کند .

اگر چه قادر نبوده ام همه ی دقایق زیبای زندگی آدم هائی را که با آنها همراه وهم نفس بوده ام و بودن و بودنی ها را هم به صورت جداگانه وهم با استفاده از تضامن اجتماعی تجربه کرده ومکررداشته ام !! تصویری ناقص از حقایق بودن هاباشد!! تلاشی بوده است توأم باامانتداری از دیدنی ها و شنیدنی هائی بوده است که توالی تأثیر آنها موجب تحولات در زندگی فردی واجتماعی اگر هم شده باشد از کنار آنها به سادگی عبور نشود.

درکنار زندگی های بررنجوری های هموطنان ایرانی خودبی توجه نبوده ام وگاهی درهمنوعان و انسان رنارمردمی ها به مرثیه نشسته ام وبرخویش هم گریسته ام !!!.

این نوشتار «تاریخ» نیست زحرا ب قول احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه از مورخان قرن چهارم هجری که گفته است «تاریخ برای سیاستمداران ورهبران ملتها آزمایشگاهی است که آنها را از اقدامات نذشتگان آگاه می سازد» تاریخ میدان تجربه ی انسانهاست .

این نوشتار به جغرافیای تاریخی بیشتر شبیه است ناتاریخ زیرا اوضاع طبیعی - انسانی - اجتماعی - سیاسی - اقتصادی یک روستا در یک دوره ی زمانی مورد بررسی قرار می دهد .

یک گزارش از عملکرد انسان هائی که در زمانی بر پهنه ای از طبیعت بوده اند تلاشی داشته اند وسپس مهمیز زندگی بدیگران سپرده اند .

در مسائل بومی شناسی روستا علم جغرافیا نقش کلیدی را برای آموختن بخشی از تاریخ زندگی مردمی را که با آمال وآرزوهائی که برای آنها قابلیت تلاش داشته است را

رهنمون می شود که چگونه برای بهبود اقتصاد زندگی چه منابعی را در اختیار دارند و چگونه می توانند از آن منابع استفاده کنند .

هدف نگارنده از ساختار شناسی روستا انتقال درک روشن از وقایع امور زندگی عمومی مردمی است که جوانان و آیندگان آنان ، در مراجعه به این نوشتار، خاطره ی از نام و نشان گذشتگان خود را از دست ندهند.

دیده و شنیده های خود را در قالب خاطرات و به صورت معجونی از تاریخ شفاهی و گزارش خبای و گاهی مبتنی بر مستندات براساس انطباق عمر و زمان ، ولو نارسا جلوه داده ام و برای راه ، از یاران بسیاری که در این جستجو مرا یاری و اطلاعاتی را در اختیارم گذاشته اند در همین مقام ، چیز تشکر می کنم .

حسین رضا پور هندخاله

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	فصل اول : هندخاله
۱۳	نشانی جغرافیائی و طبیعت روستا
۱۹	طبیعت- انسان
۴۲	جایگاه جغرافیائی
۴۶	آسفالته راه ی هندخاله
۵۳	شناخت مردم
۷۱	روستای هندخاله و جغرافیای تاریخی آن
۷۸	مرکزیت تاریخی تا دهستان شدن
۸۵	وضعیت کار و حرفه روستاییان
۹۰	نکته
۹۶	بیان انگیزه و علاقه در تهیه بهشتار
۱۰۶	خانواده - شغل - منابع درآمدی
۱۱۲	مساکن هندخاله و مردم ساکن آن
۱۱۳	بالا محله یا جور محله ی قدیم (سادات محله)
۱۵۰	اما خانه ی دوم مورد آشنائی در آن محله
۱۵۱	نگاهی گذرا به چرائی مشکلات اقتصادی روستا
۱۷۸	عمارت سید محمد خان فلاح آبادی
۲۷۲	فصل دوم: مساکن و ساکنان
۲۷۲	خانه ی حاج بصیر و ساکنان آنها
۳۱۲	خانه ی مشترک مشدی رحمت ابوالحسنی و رمضانعلی بخشی (حبقی)
۳۱۴	مسأله ی تحصیل و مواعع ادامه ی آن برای روستا زادگان
۳۲۰	مشدی رمضانعلی بخشی و برادرانش
۳۲۸	خانه ی رمضانعلی هادی پور معروف به (عشق - اشک)
۳۸۸	محوطه خانه های کبلا حسن - براتعلی - آقا شعبان و فامیل
۴۲۳	یک نامه تاریخی تاریخی
۴۴۰	آزردگی روح ایرانی نتیجه ی ظلم مکرر است
۴۵۷	محوطه ی مساکن فامیلی آقا شعبان

- ساختمان «حسن خرازی - نصرا تنها وما همسایه اش ۴۷۹
- طالقانی ها درگیلان..... ۴۸۷
- خانه ی خانواده ی کوچک ما وما ۵۲۴
- خانه های دیگر تا بهنه ی تالاب انزلی ومردم آنها ۵۲۷
- مساکن محله ی آقا قربانعلی ۵۳۷
- برخی ازدواج های ناموفق ۵۴۵
- قهوه خانه ها محل نشر خبر در روستا ۵۶۴
- چگونه می توان ایرانی بود ؟ ۶۰۵
- مشکلات تحصیل دبیرستانی فرزندان روستائی ۶۲۱
- تالش محله ۶۲۸
- تالاب انزلی - بخش آن در بخشی از اقتصاد روستا ۶۵۵
- ابزار وایستادگی کشت عمومی - صید و صیادی ۶۹۲
- سلکه ی هندخاله ، آ بند حفاظت محیط زیست پرندگان مهاجر ۷۰۰